

خداشناسی و آخرت‌شناسی عرفانی از منظر آیت الله شاه‌آبادی (ره)

سیدنا در محمدزاده^۱

چکیده

در دیدگاه‌های آیت الله شاه‌آبادی (ره) دید عرفانی بر نگاه فقهی، کلامی غلبه دارد. مبنای همه اندیشه‌های او از آموزه فطرت گرفته شده است. خداوند عاشق خود و کمالش و عالم، تابش و محضر خداست. خودنمایی و اظهار کمال انگیزه افعالش است. حق دو ظهور علمی و فعلی دارد که موجب ظهور عوالم گوناگون در قوس نزولی می‌شود و آنها در طول هم‌اند. غایت و هدف فعل حق خود اوست. از دید ایشان به حکم فطرت انسان، عالم دیگری وجود دارد که در آن راحتی کامل و حیات جاودانی است. مرگ انتقال از نشئه دنیوی به حیات برزخی و اخروی است. برزخ ویژگی‌های عالم ماده و عوالم بالاتر را با هم دارد و انسان صورت ملکوتی اعمالش را در آخرت می‌یابد. در پایان این نتیجه حاصل می‌شود ایشان با آموزه محوری خود؛ یعنی فطرت علاوه بر نگاه عرفانی در باب خدا و آخرت، شبهات بسیاری را در مورد مسأله شرور، شیطان، جسم انگاری خدا و رجعت و... پاسخ می‌دهد.

کلید واژه‌ها:

فطرت، خدا، آخرت، عرفان.

^۱-استادیار گروه ادیان و عرفان، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران.

پیشگفتار

پیشینه تحقیق

چنان‌که در ادامه خواهد آمد در زمان کنونی شناخت شخصیتی مثل آیت الله شاه‌آبادی (ره) بسیار ضرورت دارد؛ اما در این زمینه کار زیادی صورت نگرفته است. بیش‌تر نوشته‌ها از این عارف معاصر در مورد شرح حال و زندگی ایشان بوده است. کتاب‌هایی مانند آسمانی^۱ و عارف کامل^۲ بیش‌تر شرح حال بوده است. کتاب‌های حدیث عشق^۳ و فیلسوف فطرت^۴ هم بیشتر به دیدگاه ایشان در مورد فطرت پرداخته است. نگارنده این مقاله نیز در شماره چهارم فصلنامه عرفان اسلامی به میحث انسان و عمومیت عرفان از منظر شاه‌آبادی (ره)^۵ پرداخته است؛ با این حال جا دارد بیش‌تر به تحلیل و ارزیابی دیدگاه‌ها و آراء این عالم و عارف بزرگ پرداخته شود.

پیشگفتار

شناسایی و نقد عارفان بزرگ، بویژه آن‌هایی که به لحاظ زمانی به ما نزدیک هستند و سهمیم‌کردن تشنگان عرفان در شیرینی تجربه آنان از نور رحمت الهی امری ضروری است اما شناخت عارفان راستین از شیخان مدعی دروغین بسیار مشکل است؛ چرا که آنان به راحتی خود را به دیگران نمی‌شناسانند:

قوم دیگر سخت پنهان می‌روند شهره خلقان ظاهر کی شوند
این همه دارند و چشم هیچ‌کس برنیفتد بر کیشان یک نفس
(مولوی، ۱۳۸۶، ص ۴۷۳)

در مقابل تنها کسانی عارفان راستین را می‌یابند که اهل درد و کوشش‌اند:

گر تو را دردی است پیر آید پدید قفل دردت را پدید آید کلید

۱- آسمانی (شرح زندگانی عارف مکتوم حضرت آیت‌الله العظمی میرزا محمدعلی شاه آبادی(ره)، هیأت تحریریه مؤسسه فرهنگی مطالعاتی شمس‌الشموس، انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعاتی شمس‌الشموس، ج اول، ۱۳۸۳.

۲- عارف کامل، تحقیق و تألیف معاونت پژوهشی بنیاد فرهنگی شهید شاه آبادی(ره)، تهران، ۱۳۸۰.

۳- حدیث عشق و فطرت (مجموعه مقالات درباره آراء محمدعلی شاه آبادی(ره))، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۷.

۴- فیلسوف فطرت، علی حیدر مرتضوی، تهران، سازمان انتشارات پژوهش‌گاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۷.

۵- فصلنامه عرفان اسلامی، شماره چهارم، سال یازدهم، پاییز ۱۳۹۳.

چون نداری درد درمان کی رسد؟ چون نه‌ای بنده تو فرمان کی رسد؟
(عطار نیشابوری، ۱۳۸۵، ص ۶۳)

از این روی معرفی عارفی مانند آیت‌الله شاه‌آبادی (ره) برای دردمندان طالب تجربه‌های شیرین و رابطه عاشقانه با خدا ضروری است. چنان‌که در بالا آمد نگارنده در مقاله انسان و عمومیت عرفان از منظر شاه‌آبادی (ره) به تحلیل و بررسی بخشی از افکار و اندیشه‌های او در باب انسان‌شناسی پرداختند در این مقاله نیز بخش دیگری از آراء ایشان در مورد خداشناسی و آخرت‌شناسی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

الف) خداشناسی

دیدگاه شاه‌آبادی (ره) در مورد خداشناسی عرفانی است. هرچند در پاسخگویی به برخی شبهات از شیوه فلسفی و کلامی (شیعی) نیز بهره جسته است. خداوند همان معشوق فطری انسان است که «حیات صرف، علم صرف، غنای صرف، عشق صرف و قدرت صرف است. او توحید تام است.» (شاه‌آبادی، رشحات البحار، ص ۶۶ و ترجمه ۲۵۳).

او همچون فیلسوفان و متکلمان معتزله و شیعی می‌گوید که صفات خدا عین ذاتش است و همه صفات مصداقشان یکی است (شاه‌آبادی، شذرات المعارف، ص ۱۴۲). خداوند ماهیتی ندارد و وجود صرف است (شاه‌آبادی، رشحات البحار، ص ۱۴۱ و ترجمه ۳۴۷).

هم‌چنین او مثل برخی متکلمان، همه اسمی و صفات خدا را به علم و قدرت بر می‌گرداند اما دیدگاه اختصاصی ایشان این است که همه اسمی به علم و علم را هم به قدرت و قدرت را نیز به ذات بر می‌گرداند. او حتی اسم «قادر» را اسم اعظم خداوند می‌داند و چنین می‌گوید: «همه اسمی خداوند ذیل اسم فراگیر قادر قرار می‌گیرند و آن اسم اعظم خداست. ذاتش مصداق قدرتش است و علم او در اصل علم به قدرتش است.» (همو، ص ۶۸ و ترجمه ۲۵۵).

خداوند هم به‌خود و هم به ماسوی خود علم دارد. علم خداوند بر ذات خویش علم حضوری است زیرا مناط علم حضور است. خداوند چون مجرد است و بنابر اصل «کل مجرد عاقل»، لذا خودآگاه است. او مجرد محض و از هرگونه محدودیت مادی و عقلی که موجب غیبت و احتجاب می‌شوند به دور است. خداوند مجرد از همه جهات است و از همه محدودیت‌های مجردات در مراتب پایین منزّه است چون موجودات مجرد نیز مراتبی دارند و در هر مرتبه مظاهری دارند مانند نفوس ملکی، برزخی، مثالی، ملکوتی، جبروتی، مشیت مطلق و حقیقت الهی.

خداوند به ما سوی خود علم تفصیلی دارد. علم او به غیر خود، عین علم او به ذات خویش

است. این نظر او در دیدگاه عرفانیش ریشه دارد که همه تجلیات خداوند تکرارناپذیر است و غیرتابش خدا چیز دیگری نیست و تابش و ظهور عین حضور است و همه عالم محضر خداست (شاه‌آبادی، رشحات المعارف، صص ۲۸، ۳۲؛ رشحات البحار، صص ۶۳-۶۸ و ترجمه ۲۵۰-۲۵۵؛ شذرات المعارف، صص ۱۳۸ و ۱۴۲).

فطرت عشق و اثبات خدا

خود فطرت از مباحث عرفانی قرآن است که آیت‌الله شاه‌آبادی (ره) نیز با نگاهی عرفانی آن را از قرآن می‌گیرد. او فطرت را همان عشق و دیگر امور فطری همچون علم مطلق، قدرت مطلق، حیات ازلی، کمال نامتناهی را اشراقات عشق می‌داند. انتخاب کلمه عشق برای بیان فطرت از سوی شاه‌آبادی (ره) نشان می‌دهد که ایشان شیوه عرفا را در پیش گرفته است. او می‌گوید که «عشق و محبت از جان انسان‌ها برمی‌خیزد و اکتسابی، تغییرپذیر و تخلف‌پذیر نیست.» وی آن را قدسی می‌داند و حتی عشق را در مورد خدا هم به کار می‌برد که ذات مقدس خداوند نیز عاشق خود و کمالش است. به خاطر تقدس عشق حتی عشق مجازی هم می‌تواند ما را رهنمون به حق کند [چنان‌که عرفا گفته‌اند: المجاز قنطره الحقیقه] به شرطی که فرد به معشوق مجازی به نحو استقلال و جدای از خدا توجه نکند که موجب شرک و هلاکت است. بنابراین عشق حقیقی و مجازی حاکی از ذومراتب بودن و شدت و ضعف آن است (شاه‌آبادی، فطرت عشق، صص ۳۵، ۴۱، ۴۴، ۴۶، ۶۲، ۲۳۸).

انسان، عاشق کمال، علم، قدرت و راحتی، ابتهاج نامتناهی و مطلق است. او می‌خواهد به معشوق حقیقی برسد تا در او آرام گیرد. با این‌که این عشق از بین رفتنی نیست ولی با فطرت ثانیه پوشیده می‌شود. جوهره انسان با عشق آمیخته است و به دنبال معشوق است. انسان نخست متوجه ذات خود می‌شود که صورتی از معشوق است و به خود عشق می‌ورزد و اگر این عشق در حد اعتدال باشد موجب حیات و در صورت افراط و تفریط موجب هلاکت می‌شود. خودپسندی، خودرایی، راحت‌طلبی و غیره انسان از همین عشق به خود است و انسان برای رسیدن به معشوق حقیقی باید حجاب‌ها را کنار بزند و دل را از بیگانه خالی کند تا معشوق، خود را بر او آشکار کند. باید قلبش تنها جایگاه خدا باشد. قلب دو تا نیست و باید فقط جایگاه خدا باشد (احزاب ۴) و غیر در آن ساکن نباشد. دوستی غیر در عوض دوستی خدا در قلب به معنی راه دادن غیر در آن است؛ انسان با روکردن به وجه‌الله و یافتن قدرت، علم، کمال مطلق از خودپسندی و خودرایی دست

^۱ در نظر عرفا خداوند پیوسته نورافشانی و تجلی می‌کند و در هر تجلی خلق جدید می‌کند و در تجلی خداوند تکراری نیست (نک. قیصری، ۱۳۸۷، صص ۶۷۵، ۶۷۶)

برمی‌دارد و بندگی معشوق حقیقی می‌کند (رک. همو، فطرت عشق، صص ۷۴، ۷۹، ۸۱، ۸۶، ۸۸، ۸۹، ۱۱۰، ۱۲۰).

با اثبات این گزاره که «انسان فطرتاً عاشق کمال مطلق است» که به نظر شاه‌آبادی (ره) بدیهی است برهان فطرت شکل می‌گیرد چرا که با اثبات عاشق کمال مطلق بودن انسان، به حکم تضایف، معشوق هم اثبات می‌گردد زیرا جایی که عاشق هست معشوق هم هست. عاشق بدون معشوق محال است (رک. همو، فطرت عشق، ص ۷۰؛ حدیث عشق و فطرت، ص ۴۲).

هدف خلقت

آیت‌الله شاه‌آبادی (ره) با دیدی عرفانی، خلقت را همان تجلی و ظهور می‌داند. او این دیدگاه کلامی (رک. علی محمدی، ۱۳۸۲، صص ۲۱۵-۲۱۸) «قصد و غرض خداوند در خلقت یعنی فیض و نفع‌رسانی به مخلوقات» را نادرست می‌داند. دلیل او کمال ذاتی خداوند است و هدف و انگیزه خداوند نیز در خلقت امری خارج از ذاتش نیست؛ از آنجایی که خداوند کمال مطلق است خودنمایی و اظهار کمال انگیزه افعالش است و خود ذات وی او را به عطا و فیض بخشی برمی‌انگیزد. او غنی مطلق و فیض دائم است (شاه‌آبادی، شذرات المعارف، صص ۱۴۳-۱۵۰؛ رشحات البحار، صص ۱۸۳-۱۸۵ و ترجمه ۳۹۸-۴۰۰).

ایشان برای توضیح این امر از حدیث قدسی مشهور مورد استفاده عرفا «کنت کنزاً مخفیاً فاحبت ان اعرف فخلقت الخلق لکی اعرف» بسیار استفاده می‌کند. براساس دیدگاه وی مطابق حدیث قدسی غایت پروردگار از خلقت، ظهور خودش است. حق دو ظهور دارد: یکی ظهور علمی در مرتبه واحدیت به صورت کثرت اسمایی و نسبت‌های صفاتی در وحدت وجودیه است؛ ظهور دیگر، ظهور فعلی اوست که عبارت از مشیت و رحمت و به عبارتی ظهور وحدت در کثرت اوست. مقصود از این دو «قوس نزولی و قوس صعودی» ظهور است و ظهور دیگر مظاهر به صورت بالعرضی است و منظور از «لکی اعرف» در آن حدیث به معنای شناختن کسی نیست بلکه نمایان شدن و اظهار کمالات وی، نه ظهور وی برای دیگر است. از این روی باید گفت که غرض اصلی خلقت، ظهور حق و نه نفع‌رسانی به موجودات است هرچند این امر نیز بر ظهور مترتب می‌شود و به صورت تابع غرض اصلی در می‌آید (شاه‌آبادی، رشحات البحار، صص ۱۸۳-۱۸۵ و ترجمه ۳۹۸-۴۰۰).

از ظهورات خداوند در قوس نزولی عوالم گوناگون لاهوت (علم حضرت حق)، جبروت (عقول کلیه)، ملکوت، مثال، ناسوت (ملک یا شهادت) شکل می‌گیرند. عالم مثال عالم روحانی و حد فاصل عالم مجرد و ماده است.

شاه‌آبادی (ره) تقسیم‌بندی عالم را براساس دیدگاه وحدت وجودی خود ارائه می‌کند. همه این

عوامل در طول هم‌اند و همه موجودات در عالم عقول، علم ذاتی حق بوده است و انسان‌ها نیز در عوامل قلبی حضور علمی داشتند اما جسم بر ارواح جزئی مقدم است و اعتراف به توحید و عبودیت انسان‌ها در عالم الست، همان در حضور علمی انسان در عوامل قلبی بوده است. بنابراین تجلی میثاق ازلی در این عالم، همان نورانیت قلبی یا به تعبیر دقیق‌تر همان فطرت اولیه است که در برخی بعد از ورود به این عالم با فطرت ثانیه یا حجاب‌های گوناگون پنهان می‌ماند و شخص مشرک یا کافر می‌شود.

از دید عرفا در قوس صعودی نیز سالک عوامل گوناگونی مانند عوامل مثال، ملکوت، جبروت و لاهوت را سیر می‌کند و به باور عرفا و شاه‌آبادی (ره) این عوامل غیر از عوامل قلبی (در قوس نزولی) اند. عالم مثال یا برزخ در قوس صعودی غیر از عالم مثال در قوس نزولی است. در قوس نزولی در عالم مثال صورت علمی موجودات است اما در برزخ در قوس صعودی صورت‌های اعمال و نتایج عقاید و اخلاق عالم دنیوی است. اولیا با آگاهی از عالم مثال یا برزخ اول از حوادث آینده خبردار می‌شوند. [برزخ اول را «غیب امکانی» و برزخ دوم را «غیب محالی» نامیده‌اند.] (رک. شاه‌آبادی، رشحات المعارف، صص ۲۲۸-۲۳۲؛ فطرت عشق ۲۱۳-۲۲۱)

مسأله شر

از شبهاتی که ملحدان با آن بر مسأله شر تأکید می‌کنند و از آن‌جا بر انکار خدا استدلال می‌کنند همین شبهه «هدف خلقت، نفع‌رسانی به خلق» است و گفته می‌شود که اگر خدا صفات علم، قدرت و عدالت (خیرخواهی) را داراست چرا باید شر باشد؟ (رک. جان هیک، ۱۳۷۶، صص ۹۵-۱۳۰). دیدیم که شاه‌آبادی (ره) با نظری عرفانی این‌طور پاسخ داد که غایت و هدف فعل حق، خود او، ظهور و تجلی‌اش است و هدف، استکمال و کمال‌رسانی به نفع پایین‌ترها (مخلوقات) نیست. «بنابراین او [خداوند] غایت، بدایت، مبدأ و مقصد است.» (شاه‌آبادی، رشحات البحار، صص ۱۷۹ و ۱۸۰ و ترجمه ۳۹۴) آیت‌الله شاه‌آبادی (ره) مثل متأله مسیحی، قدیس آگوستین^۱ می‌گوید: «خداوند خیر محض است و شر امر عدمی است و به خداوند ربطی ندارد و آن از اموری است که به وجود دنیوی مترتب می‌شود و نیاز به علت یا خالق ندارد. علت درد فقدان کمال یا ادراک فقدان است و هر جا ادراکی نباشد اساساً دردی وجود ندارد.» (رشحات البحار، صص ۱۷۷)

بنابراین شر در هر عالمی لازمه ذاتی خود آن عالم است. برای نمونه ویژگی خود دنیاست که شر بر وجود آن مترتب می‌شود و به تعبیر شاه‌آبادی (ره) «خیر محض بودن دنیا مساوی فنای دنیا

^۱ - قدیس آگوستین شر را امری عدمی می‌داند و می‌گوید وجود نیاز به خالق دارد و عدم نیازی به خالق ندارد.

است.» (همان، ص ۱۷۷ و ترجمه ۳۹۰)

جسم‌انگاری خدا

آیت‌الله شاه‌آبادی (ره) می‌گوید جسم‌انگاری خداوند ملازم ممکن بودن است، در حالی‌که خداوند واجب است اما بهترین دلیلش در رد اهل تجسیم، استفاده از برهان فطرت است و می‌گوید: «اولین دلیل در رد ایشان استفاده از امور فطری است زیرا چنین موجود مطلقاً معشوق فطرت نیست.» (شاه‌آبادی، رشحات البحار، صص ۱۴۲-۱۴۵ و ترجمه ۳۴۸-۳۵۲)

دیدگاه ایشان در مورد رؤیت خداوند همان نظر متکلمان شیعی است که خداوند با چشم نه در دنیا و نه در آخرت دیده نمی‌شود اما او با نظر عرفانی می‌گوید مقصود از رؤیت، رؤیت و شهود در حال فناست (همان، ص ۱۴۶ و ترجمه ۳۵۴).

شیطان

آیت‌الله شاه‌آبادی (ره) مثل خیلی از عرفا نگاهش به شیطان متفاوت از متکلمان است. او شیطان و القائنات شیطانی را با توجه به آیه «لاغوینهم اجمعین الا عبادک المخلصین» نشانه عدم اخلاص مؤمنان می‌داند و از آن به‌عنوان «سگ درگاه خدا» تعبیر می‌کند. شیطان بیگانگان را از درگاه خدا می‌راند و به خالصان و آشنایان کاری ندارد. امام خمینی (ره) در بحث ریا از استاد خویش نقل می‌کند: «به قول شیخ بزرگوار ما- دام‌ظله- شیطان، سگ درگاه خدا است. اگر کسی با خدا آشنا باشد به او عوعو نکند و او را اذیت نکند. سگ در خانه، آشنایان صاحب‌خانه را دنبال نکند. شیطان نمی‌گذارد کسی که با صاحب‌خانه آشنایی ندارد وارد خانه شود. پس اگر دیدی شیطان با تو سروکار دارد بدان که کارهایت از روی اخلاص نبوده و برای حق تعالی نیست...» (امام خمینی، ۱۳۸۷، صص ۴۳ و ۴۴)

ب) آخرت‌شناسی

اثبات معاد

آیت‌الله شاه‌آبادی (ره) در اثبات حیات پس از مرگ نیز از برهان فطرت استفاده می‌کند. او می‌گوید: از ویژگی فطری انسان این است که او عاشق حیات، راحتی و قدرت مطلق است: اما هیچ‌یک در دنیا برای او موجود نیست؛ چرا که دنیا عالم تراحم و تضاد است و راحتی و آزادی انسان با همدیگر تراحم و برخورد دارند و عالم محدود ماده، ظرفیت تحقق آن را ندارد و مانع رسیدن به فطرت راحتی و آزادی است و چون به حکم تضایف، عاشق بدون معشوق محال است پس باید راحتی، حیات و قدرت مطلق باشد که عشق به آن‌ها در بشر وجود دارد و باید عالم دیگری باشد که

این معشوق را بشود در آن یافت پس به تعبیر ایشان «به حکم فطرت و کتاب ذات انسان» عالم دیگری است که در آن راحتی، قدرت و حیات مطلق وجود دارد و در آنجا حیات جاودانی و راحتی کامل است (رک. شاه‌آبادی، رشحات المعارف، صص ۵۴-۵۵؛ فطرت عشق، صص ۱۷۳-۱۸۴).

مرگ

چنان‌که پیشتر در انسان‌شناسی دیدیم روح پس از کمال بدن مادی همچون نوری این عناصر ترکیبی را نگه می‌دارد. بدن در اصل مرده، ولی روح زنده است. آیت‌الله شاه‌آبادی (ره) اعضاء بدن را به لامپ و روح را به برق در آن تشبیه می‌کند که در تمام لامپ بدن ساری است و مرگ به معنی قطع پیوند رشته ارتباطی لامپ‌های بدن با برق (روح) است.

مرگ انتقال از نشئه حیات دنیوی به حیات برزخی و اخروی است. مردن فنا و نابودی نیست بلکه مطابق پیام پیامبران انتقال از منزلی به منزل دیگر است.. آن قبول دعوت خداوند و حضور یافتن در محضر خداست. تا انسان زنده است روح با بدن ملکی و برزخی همراه است اما با رفتن از جهان مادی با ماده برزخی همراه می‌شود (رک. شاه‌آبادی، شذرات المعارف، صص ۱۹۷-۲۰۳ و ۲۱۰).

برزخ

در دنیا انسان با حواس مقید جهان را درک می‌کند اما در برزخ با حواس مطلق و آزاد بدون قیدهای ماده ملکی و بی‌نیاز ابزارهای بدنی حسی، محسوسات عالم برزخ را حس می‌کند. به عبارت دیگر رؤیت بدون چشم و شنوایی بدون گوش حاصل می‌شود بنابراین برزخ برخی ویژگی‌های عالم ماده و عوالم بالاتر را با هم در خود دارد.

انسان در نخستین منزل سفر آخرت در آزمون سه مرحله‌ای قرار می‌گیرد:

الف) آزمون عقل به عنوان پیامبر باطنی و به صورت بشیر و نکیر ظاهر می‌شود. آیت‌الله شاه‌آبادی (ره) بشیر و نکیر را دو فرشته نمی‌داند بلکه سلطان عقل به اعتبار مقبولیت عقل (یعنی به اعتبار مواجهه با مؤمن) بشیر و مبشر و به اعتبار مردودیت (یعنی به مناسبت مواجهه شدنش با منافق و کافر) نکیر و منکر است. سؤالات آن‌ها از عقاید و معارف در باب توحید، نبوت، ولایت، فرشتگان و کتاب آسمانی است (رک. همو، صص ۲۱۶-۲۱۸؛ رشحات المعارف، ص ۵۹).

ب) دومین آزمون، آزمون ملک فتان، امتحان‌کننده نفس است. او بسیار فتنه‌کار و امتحان‌گر است. این ملک، امتحان‌کننده اعمال قلبی است و سنگینی و سبکی انسان را می‌رساند. اخلاق خوب و بد دارای آثاری است که متناسب با عالم برزخ ظهور می‌کند و در آنجا منشأ حرکت و فعالیت می‌شود. این ملک، صبر، حیا، غفت، عدالت را بررسی می‌کند (همو، شذرات المعارف، صص ۲۲۴ و ۲۲۵؛

رشحات المعارف، ص ۵۹).

ج) سومین مرحله امتحان، آزمون فرمانروای (سلطان) حس است و در این مرحله، آنچه مربوط به حس است صورت برزخی آن به ظهور می‌رسد (همو، شذرات المعارف، صص ۲۲۵ و ۲۲۶؛ رشحات المعارف، ص ۵۸).

پس از آزمون، پاداش یا کیفر داده می‌شود. در عالم برزخ و آخرت چهره واقعی اعمال به شکل پاداش یا کیفر آشکار می‌شود. هرکس در آخرت مطابق اعمالش ظاهر می‌شود. اعمال دو جنبه و صورت ظاهری و باطنی دارد و به مرور باطن اعمال ملکه می‌شود و شکل باطنی اشخاص را مشخص می‌کنند.

در حقیقت نسبت اعمال دنیایی و ثواب و عقاب نسبت ظهور و بطون است. ثواب و عقاب ظهور غیبی اعمال انسان‌هاست. اعمال دنیایی صورت باطنی‌شان در عوالم برزخ، ملکوت و جبروت متناسب با آن عالم است. حقیقت اعمال هم صورت ملکوتی آن‌هاست. صورت ملکوتی عمل خوردن مال یتیم مثل خوردن آتش است (نساء ۴) و صورت ملکوتی بخل در صورتی که ملکه شود، قلاده آهنین بر گردن بخیل (آل عمران ۳) و ۱۸۰ و گاه به صورت تابوت آتشین است (همو، رشحات المعارف، صص ۴۰؛ شذرات المعارف، ص ۱۵۸ و ۲۲۸؛ رشحات البحار، صص ۱۶۴ و ۱۶۵ و ترجمه ۳۷۵).

در واقع آنچه انسان در این‌جا عمل کرده است صورت ملکوتی‌اش را آن‌جا می‌یابد (اسراء ۱۷) (۱۳) [ممکن است مال حرام و خوردن حق یتیم در دنیا به کام خوردگان‌ش شیرین باشد، اما این جنبه ملکی و دنیایی آن است؛ در حالی که چهره باطنی‌اش آتش سوزاننده است که غیر از اهل دل کسی آن را تشخیص نمی‌دهد و در یوم تبلی السرائر، بعد ملکوتی آن‌ها آشکار می‌شود.] (شرح رشحات المعارف، ص ۱۶۲)

در باور آیت‌الله شاه‌آبادی (ره) «ثواب و عقاب آخرت ظهور صورت ملکوتی و غیبی اعمال، نه خود آن اعمال است. ثواب و عقاب غیر پاداش و جریمه است زیرا ثواب و عقاب آخرت برخلاف دنیا عین ظهور ملکوتی و غیبی آن‌ها و برحسب عوالم برزخ، ملکوت و جبروت متفاوت است.» (شاه‌آبادی، رشحات البحار، صص ۱۶۴-۱۶۸ و ترجمه ۳۷۵-۳۷۹؛ حتی شاه‌آبادی (ره) بر این باور است که «قصرها و باغ‌ها و نعمت‌های بهشتی مخلوق تو و صورت غیبیه عملت است که به واسطه اطاعت و ترک معصیت، حور و قصرها و رود غسل و شیر خلق می‌کنی.» او ادامه می‌دهد که بهشت و جهنم و عمارت و مار و عقربی در آن‌جا نیست و خود شخص آن‌ها را درست می‌کند (همو، رشحات المعارف، ص ۴۷).

از نظر او حیات برزخی نوعی حیات انفرادی است. آدمی در دنیا از علم و عمل دیگران بهره می‌برد اما در عالم برزخ و قیامت زندگی هر شخصی به صورت ملکوتی علم و عمل دنیایی است. مایحتاج بشر برای آخرت «عقاید صحیح تحصیل اخلاق حسنه و اعمال صالحه» است و در آنجا درست و نادرست آن‌ها نمایش داده می‌شود اما مسأله عبودیت، ثنا و قرب حق و معارفی که در عبادت است وجه ملکوتی‌اش در عالم قیامت کبری ظاهر خواهد شد (همو، رشحات المعارف، ص ۴۰ و ۶۰).

آیت‌الله شاه‌آبادی (ره) با این‌که ارتباط عمل خوب با ایمان را می‌پذیرد ولی با دیدی عرفانی این‌جا نیز می‌گوید: «بعضی‌ها با این‌که اهل ایمان نیستند اما بر اثر اعمال صالحه و اخلاق حسنه و خدمت به خلق ممکن است خداوند آن‌ها را موفق به ایمان آوردن در حال احتضار کند و با ظهور احمدی و ولوی تسلیم مقام ولایت و نبوت شوند (همان، صص ۵۳ و ۵۴) و بعضی‌ها با وجود بودن در جهنم به خاطر صورت برزخی اعمال خودشان از عذاب به دورند.» (همان)

رجعت

از دیگر اعتقادات شیعی، رجعت است که شاه‌آبادی (ره) در مورد آن سخن می‌گوید. این بحث در کتاب ایمان و رجعت (در رشحات البحار) او آمده است. براساس این اعتقاد، عترت پیامبر اسلام (ص) در پایان دنیا قبل از قیامت برخواهند گشت. شاه‌آبادی (ره) برای اثبات این امر نیز از نظریه اصلی خود؛ یعنی آموزه فطرت عشق استفاده می‌کند. او می‌گوید: «انسان براساس فطرت عاشق کمال، فطرت خاضع در برابر کامل، و فطرت عادل درباره حقوق و حدود خویش، به وجود فطرت کاشف حکم می‌کند و از آنجایی که کشف تام نسبت به علم نازل، مخصوص عترت است ناگزیر باید عترت رجوع کند تا انسان با فطرت کاشف خود اجتماع یابد وگرنه تعطیل وجود، لازم می‌آید که در اصل ظلم به موجود است.» (شاه‌آبادی، رشحات البحار، ص ۸۱ و ترجمه ص ۲۷۳)

ایشان در کتاب یادشده در بالا در اشاره به حشر در دنیا و رجعت می‌آورد و بر این باور است که حشر در دنیا صورت می‌گیرد چون تنها دنیای سرای اجتماع است و در برزخ و آخرت هر کس با اندوخته علم، عمل و حتی شفاعت خود زندگی می‌کند (همان، صص ۹۵-۹۶ و ترجمه ص ۲۹۰-۲۹۲).

او هم‌چنین معتقد است که رجعت مختص عترت نیست و شامل امت نیز است اما در رجعت ظهور ارواح در دنیا تنها با بدن‌های برزخی نه ملکی آنهاست. از این روی ارواح در دنیا با بدن‌های برزخی خود و به شیوه تراکم، گسترده ساختن و افزودن بر آن بدن، خود را نمایان می‌سازد تا آنجا که اهل دنیا ایشان را با حواس مقیده خود می‌بینند. این امر برای ارواح مقتدر به صورت حرکت

ارادی و برای دیگران به صورت تقیید و حبس به دلیل ضعف یا شقاوتشان است (همان، صص ۹۶، ۱۰۷-۱۰۹ و ترجمه ۲۹۶ و ۳۰۷-۳۰۹).

نتیجه‌گیری

ارتباط و اتصال به اولیا و اشتراک در شیرینی تجربه معنوی ایشان، تشنگی هر حق‌جویی را سیراب می‌کند که فطرت هر کسی است. اسلام از آن جهت که سرشار از گنجینه‌های معنوی و تجربه‌های عرفانی است و به ویژه ادبیات ایرانی از این لحاظ غنی‌تر هم است. به راحتی در دسترس هر شخصی است. از این روی شناخت عرفا و تجربه‌های عرفانی‌شان هر تشنه معرفتی را سیراب می‌کند.

ضرورت شناخت عرفان و عرفا و بویژه عرفای معاصر مانند آیت‌الله شاه‌آبادی (ره) از این جهت است که انسان‌های معاصر به‌خصوص جوانان با فطرت پاک و اولیه‌شان که هنوز در حجاب کمتری قرار دارد. با فطرت عشق، تشنه امید، تنوع‌طلبی، راحت‌طلبی و حقیقت‌جویند و اگر این تشنگی درست سیراب نشوند مدعیانی هستند که مطابق سلیقه مشتریان، آنان را به خود جذب می‌کنند:

لاف شیخی در جهان انداخته خویش‌ستن را بایزید ساخته
هم زخود سالک شده واصل شده محفلی وا کرده در دعوی کده
(مولوی، ۱۳۸۶، ص ۱۰۲۲)

(چون بسی ابلیس آدم‌روی هست پس به هر دستی نباید داد دست
(همو، ص ۱۸)

در واقع نبودن عرفان حقیقی موجب ظهور عرفان‌نماها می‌شود:

شمس فروزنده چو پنهان شود شب‌پره بازبگر میدان شود

آیت‌الله شاه‌آبادی (ره) فطرت انسان را از عشق می‌داند و به شیوه عرفا حتی عشق را در مورد خدا نیز به کار می‌برد که عاشق خود و کمال است. این امر باعث شد ایشان با نگاه متفاوت، راه‌حل‌های جذاب تری برای بسیاری از مسأله‌ها و شبهات در حوزه‌های گوناگون داشته باشد. از دید آیت‌الله شاه‌آبادی (ره) جهان تجلی و ظهور و نتیجه خودنمایی و اظهار کمال الهی است. با این نگاه او مهم‌ترین استدلال ملحدان را بر انکار خدا؛ یعنی مسأله شر پاسخ می‌دهد که همان شبهه «هدف خلق نفع‌رسانی به خلق» است. پس هدف آفرینش چیزی جز ظهور و تجلی او نیست. همین‌طور با این نگاه ایشان، بسیاری از شبهات در مورد ابلیس پاسخ داده می‌شود که خداوند

رحمان و رحیم چگونه به شیطان قدرت داده است. از نظر شاه‌آبادی (ره) شیطان یا ابلیس در واقع نشانهٔ عدم اخلاص مومنان است و او فقط نامحرمان را از درگاه الهی دور میکند. ایشان علاوه بر وجود خدا در اثبات حیات پس از مرگ، رجعت، برزخ، رستاخیز، بهشت و جهنم از نظریهٔ اصلی خود؛ یعنی آموزهٔ فطرت عشق بهره برده است. در همهٔ مباحث بالا روح عرفانی بر نگاه فقهی، کلامی و فلسفی او غلبه دارد. ایشان بر اساس جهان‌شناسی عرفانی برزخ را همان عالم مثال در سیر صعودی سالک می‌داند که ویژگی‌های عالم ماده و عوالم بالاتر (ملکوت و جبروت) را با هم در خود دارد. به عبارت عرفانی «نه این نه آن» یا «هم این و هم آن» است. در عالم برزخ و آخرت چهرهٔ باطنی اعمال به شکل پاداش و کیفر آشکار می‌شود. بهشت و جهنم صورت ملکوتی و غیبی اعمال است پس جهنم در عین عدالت خدا منافاتی با رحمانیت او ندارد. آیت الله شاه‌آبادی (ره) وضعیت غیر مسلمانان را (حتی آنان که اهل ایمان نیستند) در آخرت بهشتی می‌داند در صورتی که داری اخلاق نیکو باشند او حتی مومن شدن آنان را در حال احتضار ممکن می‌داند.

در پایان این مقاله باید گفت شاید بسیاری از آراء بالا در دیدگاه دیگر عرفای پیشین نیز وجود دارد اما نکته مهم و خاص در مورد شاه‌آبادی (ره) این است که این آراء شخصی است که در بالاترین مقام فقهی نیز قرار دارد. بنابراین در مجموع، نظرات عرفانی ایشان پاسخ بسیاری از سؤالات عمیق نسل جدید است. کسانی که با پاسخ‌های کلامی و فقهی صرف اشباع نمی‌شوند.

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- آسمانی (شرح زندگانی عارف مکتوم حضرت آیت‌الله العظمی میرزا محمدعلی شاه آبادی (ره)، هیأت تحریریه مؤسسه فرهنگی مطالعاتی شمس‌الشموس، انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعاتی شمس‌الشموس، ج اول، ۱۳۸۳.
- ۳- امام خمینی (ره)، چهل حدیث، مرکز نشر فرهنگی رجاء، ۱۳۶۸.
- ۴- حدیث عشق و فطرت (مجموعه مقالات درباره آراء محمدعلی شاه‌آبادی (ره))، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۷.
- ۵- شاه‌آبادی (ره)، محمدعلی، فطرت عشق، شرح فاضل گلپایگانی، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۷.
- ۶- -----، رشحات البحار، تصحیح و ترجمه زاهد ویسی، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۷.
- ۷- -----، رشحات المعارف، تقریر حیدر تهرانی، شرح فاضل گلپایگانی، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۷.
- ۸- -----، شذرات المعارف، توضیح و تقریر آیت‌الله نورالله شاه‌آبادی (ره)، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۶.
- ۹- عارف کامل، تحقیق و تألیف معاونت پژوهشی بنیاد فرهنگی شهید شاه‌آبادی (ره)، تهران، ۱۳۸۰.
- ۱۰- عطار نیشابوری، مصیبت‌نامه، تصحیح: ع، نورانی وصال، به کوشش محمد حسین مجدّم، تهران، زوآر، ۱۳۸۵.
- ۱۱- قیصری، شرح فصوص الحکم ابن عربی، ج ۲، ترجمه محمد خواجه‌جوی، تهران، مولی، ۱۳۸۷.
- ۱۲- مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ ق.، ج ۵.
- ۱۳- محمدی، علی، شرح کشف المراد، قم، انتشارات دارالفکر، ۱۳۸۲.
- ۱۴- مرتضوی، علی حیدر، فیلسوف فطرت، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۷.
- ۱۵- مولوی، جلال‌الدین محمد، مثنوی معنوی، تصحیح: رینولد ا. نیکلسون، تهران، هرمس، ۱۳۸۶.
- ۱۶- نجم‌الدین رازی، مرموزات اسدی در مرموزات داودی، تصحیح: محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران، سخن، ۱۳۸۱.
- ۱۷- هیک، جان، فلسفه دین، ترجمه بهزاد سالکی، تهران، انتشارات بین‌المللی الهدی، ۱۳۷۶.

Mystical Theism and Eschatology from Ayatullah Shahabadi's Viewpoint

Seyed Nader Mohammadzadeh

Assitant Professor, Mysticism and Religions Department, Islamic Azad University, Zanjan Branch, Zanjan, Iran

Abstract

From the standpoint of Ayatullah Shahabadi, the mystical viewpoint is superior to Kalam and jurisprudential perspective. The basis of his thoughts in all is stemmed from instinct teaching. The Almighty is in love with Himself, His perfectionism, universe, shining, and providence. Exhibition and statement of perfection are the source of His deeds. He is entitled for the two fold scientific and practical emergence that cause the emergence of various universes upon the descending arch while they are parallel to one another. The end point and purpose of the act of God is the Almighty Himself.

In his opinion, instinctively there is another world in which there is a perfect and eternal life. Death is the process of transferring from this world to the limbo and eternal life. Limbo is characterized with the worldly and heavenly features, and mankind will witness the divine features of his actions in the afterlife.

Finally, it is concluded that with his axial teaching, i.e. instincts, he can respond to a host of ambiguities in terms of vice, satan, embodiment of God, returning and so on in addition to his mystical approach toward God and afterlife.

Keywords: Instinct, God, afterlife, mysticism.